

- 100792

دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مشروطیت از منظر نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی
(ماهیت، نیازهای ساختاری، زمینه‌ها و موانع تحقق)

نگارش

مرتضی منشادی

استاد راهنما

دکتر حمید احمدی

استادان مشاور

دکتر صادق زیباکلام

دکتر علیرضا صدرا

کتابخانه مجلس شورای ملی
تهران

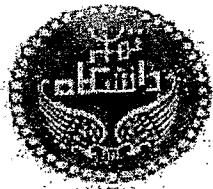
۱۳۸۷ / ۱۷ / ۲۵

پایان نامه برای دریافت درجه دکتری

در رشته علوم سیاسی

تیرماه ۱۳۸۷

۱۰۵۶۹۶



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی علوم سیاسی
گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری: مرتضی مشادی

در رشته: علوم سیاسی

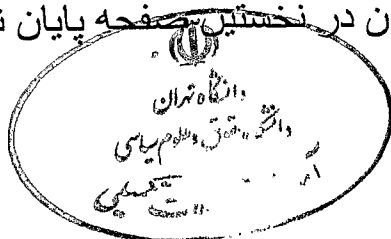
با عنوان: مشروطیت از منظر نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی

را در تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۳ با درجه: **بسیار خوب ۱۸/۵** ارزیابی نمود.

گرایش: **پایه‌های سیاسی**

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر صادق زیبا کلام	استاد	"	
۳	استاد مشاور دوم (حسب مورد)	دکتر علیرضا صدرا	استادیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی	استاد	دانشگاه امام صادق (ع)	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر محمد باقر حشمت زاده	استاد	دانشگاه شهید بهشتی	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر محسن خلیجی اسکویی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر حمیدرضا ملک محمدی	استادیار	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر حمیدرضا ملک محمدی	استادیار	"	

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می‌گردد



تقدیر و تشکر

سخن را با عرض امتنان به پیشگاه استادان ارجمند دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، جناب آقایان دکتر حمید احمدی، دکتر صادق زیباکلام و دکتر علیرضا صدرا، آغاز میکنم. راهنمایی های استادانه دکتر احمدی، توفیق امر خطیر پژوهش را بر من آسان کرد. دکتر زیباکلام و دکتر صدرا، وقت زیادی را صرف مطالعه این رساله و مشاوره نمودند. بدون تردید راهنمایی ها و ارشادات آنان بر کیفیت این رساله افزوده است. در خلال نگارش رساله حاضر، بسیاری از دوستان و همکارانم، با پیشنهادهای ارزنده خود، باعث شدند دیدگاههای بهتری نسبت به موضوع مورد نظر، داشته باشم. در این مورد به همکارم، دکتر محسن خلیلی، بیش از هر کس مدیون هستم؛ چرا که در خلال نگارش این رساله، همواره مشوقم بود و سخاوتمندانه منابع کمیاب و مورد نیاز را در اختیارم قرار داد. از کمکها و حمایت های همکاران دیگرم دکتر سید حسین اطهری و دکتر احمد محقر نیز صمیمانه سپاسگزار می کنم. همچنین از دکتر سید محمد علی تقوی، که زحمت شایان توجهی در نمونه خوانی ترجمه ها و تطبیق با متون اصلی را تقبل کرد، تشکر می کنم.

بسیاری از همکارانم در کتابخانه دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، نیز با من همکاری کرده اند. از همه آنان سپاسگزارم.

چکیده

این رساله به بررسی مذاکرات مجلس اول شورای ملی در چهارچوب جامعه‌شناسی تاریخی می‌پردازد. براین اساس جایگاه تاریخی - اجتماعی جنبش مشروطه خواهی مشخص می‌شود. درمطالعه جنبش مشروطه خواهی - همچون پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی - یکی از مهمترین موضوعات، درک و فهم فعالان آن جنبش از مفاهیم، مبانی و اهداف آن جنبش می‌باشد. از زمان پیروزی جنبش مشروطه خواهی تا به امروز، تحقیقات فراوانی در رابطه با آن انجام گرفته است. گروهی از پژوهشگران، از عده درک معنای مشروطه و مشروطیت دفاع می‌کنند. این گروه با شروع از جایگاه تاریخی و فرهنگی، درمبانی مشروطه خواهی تردید می‌کنند و آن را فاقد خصیصه‌های تاریخی - اجتماعی می‌دانند. گروه دیگری از شکست مشروطیت سخن می‌گویند. این گروه بر طرز تفکر مشروطه خواهان و ناآگاهی رهبران جنبش از شرایط جامعه ایران تأکید می‌نمایند. گروهی دیگر جنبش مشروطه خواهی را دستاورد تجار، روشنفکران و روحانیان می‌انگارند، و سرانجام گروهی آن را نتیجه پی‌گیری مصالح انگلیسیان در ایران می‌دانند و آن را جنبشی برآمده از خواست مردم و رهبران جنبش به شمار نمی‌آورند. بررسی مذاکرات نخستین مجلس شورای ملی، هرگونه داوری کلی درباره میزان آشنایی رهبران جنبش مشروطه خواهی با مفاهیم، مبانی و اهداف آن جنبش را بسیار دشوار می‌سازد. نمایندگان آن دوره مجلس از میان اصناف گوناگون برگزیده شده بودند و بنابراین فهم و درکی متناسب با بینش موکلان خود از مشروطیت را ارائه می‌دادند. نمایندگان در مذاکرات خود بر شکل‌گیری حکومت مشروطه به عنوان یک نظام سیاسی مدرن پافشاری می‌کردند. ترتیب مذاکرات و مصوبات مجلس، منعکس‌کننده معرفت و شناخت نمایندگان از عوامل مؤثر در موفقیت و یا شکست مشروطیت است. به عبارت دیگر، این مذاکرات لایه‌هایی از خواسته‌های مشروطه‌طلبان را آشکار می‌سازد که بر نیازهای جامعه در مسیر مدرن شدن منطبق است و کنش مشروطه خواهان و مذاکرات نمایندگان را مکمل یکدیگر می‌سازد. این رساله در پنج فصل تنظیم شده است: فصل اول کلیات طرح تحقیق را شامل می‌شود. فصل دوم مشتمل بر چهارچوب نظری است. در فصل سوم شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری جنبش مشروطه خواهی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم بازتاب معنا، عوامل و شرایط پیروزی و شکست مشروطیت در مذاکرات نمایندگان مجلس اول شورای ملی بررسی می‌کند. فصل آخر نیز به موانع و مشکلات موجود در مسیر دستیابی به اهداف مشروطیت از منظر نمایندگان مجلس اول شورای ملی می‌پردازد.

فهرست مطالب

صفحه

فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق.....	۱
۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱ طرح مسئله.....	۴
۳-۱ سئوالات تحقیق.....	۷
۴-۱ فرضیه تحقیق.....	۷
۵-۱ مفاهیم کلیدی.....	۷
۶-۱ روش تحقیق.....	۱۰
۷-۱ روش جمع آوری اطلاعات.....	۱۲
۸-۱ سوابق پژوهش (ادبیات موضوعی).....	۱۲
۹-۱ نقطه تمرکز.....	۱۸
۱۰-۱ پیامدهای تحقیق.....	۱۸
۱۱-۱ سازماندهی پژوهش.....	۱۹
فصل دوم: چهارچوب نظری: متدولوژی جامعه شناسی تاریخی.....	۲۱
۱-۲ مقدمه.....	۲۲
۲-۲ اصالت عاملیت.....	۲۳
۳-۲ ساختارگرایی (اصالت ساخت).....	۲۴
۴-۲ ساخت یابی (ساختار بندی).....	۲۵
۵-۲ جامعه شناسی تاریخی.....	۲۷

۴۳	فصل سوم: شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکل گیری جنبش مشروطه
۴۴	۱-۳- پیروزی جنبش مشروطه خواهی
۵۱	۲-۳- عاملان و ساختارها
۵۲	۱-۲-۳- شاه و دربار
۵۵	۲-۲-۳- روحانیان
۵۹	۳-۲-۳- ایلات و عشایر
۶۲	۴-۲-۳- اشراف و زمینداران بزرگ
۶۴	۵-۲-۳- تجار و بازرگانان
۶۸	۶-۲-۳- توده مردم
۷۲	۷-۲-۳- روشنفکران
۷۵	۳-۳- شرایط اقتصادی
۸۰	۴-۳- وضعیت سیاسی
۸۶	۵-۳- پیشینه اصلاحات
۹۳	۶-۳- تأثیر قدرتهای خارجی بر تحولات ایران
۱۰۰	۷-۳- معنای مشروطیت و ویژگی های دولت مشروطه
۱۰۸	فصل چهارم: مشروطیت از منظر نمایندگان
۱۰۸	۱-۴- مشروطیت، مشخصات و نیازهای نهادی آن
۱۰۹	۱-۱-۴- اهمیت مجلس به عنوان نهاد اصلی مشروطیت
۱۱۵	۲-۱-۴- انتخابات
۱۳۴	۳-۱-۴- تفکیک قوا و وظایف مجلس
۱۴۵	۲-۴- نهادینه کردن مشروطیت
۱۶۷	۳-۴- ساختارهای جدید سیاسی و توزیع افقی قدرت
۱۷۵	۴-۴- مسئولیت وزرا در برابر مجلس
۱۹۲	۵-۴- ضرورت کسب رای اعتماد وزرا از مجلس
۱۹۶	۶-۴- تصویب قوانین جدید به منظور تاسیس ساختارهای نو و سامان دادن به اوضاع کشور
۱۹۶	۱-۶-۴- امور شهری و زندگی اجتماعی
۲۰۵	۲-۶-۴- قوانین مربوط به صادرات و واردات

۲۰۷.....	۴-۶-۳- امنیت راه ها
۲۱۲.....	۴-۶-۴.....
۲۱۸.....	۴-۷- آزادی مطبوعات
۲۲۷.....	۴-۸- ایجاد نهادهای اقتصادی نو
۲۳۵.....	فصل پنجم: موانع و مشکلات تحقق مشروطیت از منظر نمایندگان
۲۳۶.....	۵-۱- تداوم استبداد و تمرکز قدرت
۲۴۴.....	۵-۲- عدم همکاری حکومت و نهادهای حکومتی
۲۵۲.....	۵-۳- عدم درک صحیح از مشروطیت
۲۵۵.....	۵-۴- ناامنی و اغتشاش
۲۶۰.....	۵-۵- اختلافات سیاسی
۲۶۵.....	نتیجه گیری
۲۷۵.....	منابع فارسی
۲۸۶.....	منابع انگلیسی

فصل اول: مقدمه و کلیات طرح تحقیق

۱-۱- مقدمه

نهضت مشروطه جنبش سیاسی-اجتماعی منحصر به فردی در تاریخ ایران است که در هیچ یک از ادوار تاریخ کهن این سرزمین سابقه ندارد. در نهضت ها و قیامهای پیش از مشروطه نوع و روش حکومت مورد تعرض قرار نمی گرفت، بلکه آنچه تغییر می کرد فرد یا سلسله حاکم بود. مشروطه خواهان، در جامعه ای که اکثریت مردم آن روستائین و بیسواد بودند و عقب ماندگی در همه ساحت های زندگی وجود داشت، استبداد دیر پای حکومت را شکست دادند و بزرگترین تحول تاریخی را در ایران به وجود آوردند. از این جنبه جنبش مشروطه خواهی ایران را میتوان اولین انقلاب مشروطه آسیا دانست.

نهضت مشروطه، تمامی روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را زیرورو کرد؛ و کلماتی مانند عدالت خانه، مجلس، انتخابات و قانون وارد واژه نامه سیاسی ایران شد. از زمان پیروزی جنبش مشروطه خواهی تا به امروز، جنبشها و رخدادهای سیاسی و اجتماعی همه به گونه ای از آن تاثیر پذیرفته اند. علیرغم این اهمیت، متأسفانه بررسی این پدیده به عنوان یک جنبش اجتماعی، حجم کمی از تحقیقات را به خود اختصاص داده است. محققان و تصمیم گیران، برای شناخت مسائل امروز، نیاز اساسی به شناخت همه جانبه و علمی این جنبش دارند.

بازنویسی تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، با فراز و فرودهای بسیار آن، سابقه ای طولانی ندارد. وقایع این جامعه با انواع اطلاعات نادرست و گاه آمیخته به تعصبی شدید همراه است، چنانکه تاریخ ایران در موارد بسیاری واژگونه ثبت و نگارش یافته است. بدین ترتیب تشخیص سره از ناسره سخت مشکل است. علاوه بر این تاریخ معاصر ایران- بدون افتادن به دام نظریه توطئه- با اغراض

بیگانگان و دخالت آنان در آمیخته است. جنبش مشروطه خواهی نیز جدای از این مشکل نیست. وجود تعبیر گوناگون و تفسیرهای گاه ضد و نقیض موید این نظر است.

نهضت مشروطه از زمان پیروزی تا کنون مورد توجه همگان بوده است و در رابطه با آن در محافل مختلف علمی و غیر علمی تفاسیر و گزارشات متفاوتی ارائه شده است. در دوران پیروزی جنبش مشروطه، همه جا، از خانواده گرفته تا اماکن عمومی بحث و گفتگو پیرامون حقوق ملت و لزوم حکومت قانون رواج یافته بود. جنبش مشروطه، رعیت را به ملت تبدیل کرده بود و رهبران جنبش، برای دستیابی به این هدف، ابزارهای ارتباطی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی متعددی به کار گرفته بودند. عده ای با ساختن تصنیف های سیاسی و اجتماعی، استبداد و استبداد خواهان را به ریشخند می گرفتند. جمعی با وعظ و خطابه، انتشار روزنامه و پراکندن اعلان و شبنامه به ستیز با خود کامگی می پرداختند. البته استبداد و هواداران استبداد نیز این وسیله ها را در دسترس داشتند. اما از آنجا که بدون پشتوانه اعتماد مخاطب، موفقیت بسیار دشوار است، در این مبارزه توفیق چندانی به دست نیاوردند. به عبارت دیگر، پیروزی مشروطه خواهان، "رعیت" را به "ملت" تبدیل کرده بود و ملت آزادی خود را پاس می داشت.

آرمانهای جنبش مشروطه، برای پیشگامان جنبش روشن بود. بخشی از اهداف مشروطیت را می توان چنین برشمرد: حکومت قانون، آزادی، استیفای حقوق ملت، تفکیک قوا و جلوگیری از خود کامگی قدرت. پیشگامان جنبش مشروطه مردمان آگاه و از جان گذشته ای بودند که با وجود تعداد اندک، در برابر نیروهای مخالف ایستادند. عظمت کار آنان، دیگران را به موضعگیری های مختلف واداشته است. بدیهی است شناخت و گزارش درست این واقعه می تواند بر سطح تعامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و تسریع فرایند رشد و ترقی کشور تاثیر شایانی داشته باشد. امروز نیاز جامعه ما به باز کاوی و بازشناسی دقیق جنبش مشروطه غیر قابل انکار است.

جنبش مشروطه در بستر رویدادهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران به وقوع پیوست، که در واقع برآیند عملکرد مجموعه ای از نیروهای اجتماعی و ساختارهای اجتماعی داخلی و رقابت های خارجی بود. اهمیت جنبش مشروطه و تغییرات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن تحلیل دقیق این واقعه را ضروری می سازد. انسان به همان اندازه ای که به شناخت دست بیابد به همان مقدار نیز در عمل موفق خواهد بود. بدون تردید دستیابی به شناخت درست هم کار ساده ای نیست. وموانع و آفات روش شناختی و معرفت شناختی بسیاری، درک دقیق

پدیده ها را دشوار میسازد. در مورد پدیده های تاریخی که با واسطه مورد شناسایی قرار می گیرند این دشواری چندین برابر است؛ زیرا علاوه بر مشکلات معرفتی و روشی شناسنده، انگیزه ها اغراض و علایق مختلف مورخ و شناسنده نیز بر مشکلات افزوده می شود

انقلاب مشروطه ایران را مورخان بیشتر از سایر محققان بررسی و مطالعه کرده اند بنابراین شیوه حاکم بر مطالعات از یک سو بیشتر جنبه توصیفی دارد و از سوی دیگر بنا به ماهیت مطالعات تاریخی از نوع خاص گرایانه است. در مواردی هم که مطالعات به توضیح علل رویدادها و ارتباط میان عوامل، داده ها، رویدادها و... می پردازند، بیش از آنکه بررسی هایی متکی بر یک چهارچوب نظری آگاهانه باشند، برپیش فرض های مطرح نشده یا رویکردهای نظری کلان اما نا مصرح مورخان استوار است. بنابراین از نظر روش شناختی، این رساله بیشتر پیرو سنت دانشمندان علوم سیاسی و جامعه شناسانی چون بارینگتون مور و تدا اسکاچپول است که در پژوهشهای خود بر "ویژگی های تاریخی" بیش از تعمیم های جهان شمول تاکید می کنند.

اگرچه بر سر اینکه مشروطیت یک انقلاب بود یا یک جنبش اجتماعی و سیاسی، اختلاف نظر وجود دارد، اما این اختلاف ناشی از برداشت های متفاوتی است که در مورد حدود و ثغور مفهومی این دو پدیده در آثار جامعه شناسان و جامعه شناسان سیاسی وجود دارد. به نظرمی رسد در اینکه هر انقلابی جنبش است، اما هر جنبشی انقلاب نیست یا لزوماً به انقلاب منجر نمی شود، اتفاق نظر وجود داشته باشد. در این رساله، مشروطه به عنوان یک جنبش اجتماعی - سیاسی در نظر گرفته شده است و با استفاده از روش جامعه شناسی تاریخی، به بررسی جایگاه تاریخی - اجتماعی آن پرداخته شده است. با این روش فهم و درک نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی از ماهیت، نیازهای ساختاری، زمینه ها و موانع تحقق مشروطیت مورد تبیین قرار گرفته است. در این رساله تلاش می شود بر اساس فرضیه های تحقیق در سه بخش مجزا، جنبش مشروطه، عوامل به وجود آورنده آن و فهم نمایندگان از موارد ذکر شده تبیین و تفسیر شود. بدون تردید شناختی که به این ترتیب به دست می آید، دستیابی به دانش مفید، نقادی علمی و تفسیر دقیقتری از جنبش مشروطه خواهی، خواهد بود.

۱-۲ - طرح مسئله

موضوع جنبش مشروطه، اصلاح طلبی، تجدد و نوشدن بود. در بستر تحولات به وجود آمده در عصر قاجاریه و ظهور و نشر افکار جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران، این موضوعات

مورد توجه قرارداداشت و جامعه ایران با همه تلاشها و کوششهای صدسال گذشته، همچنان بدنبال آنهاست؛ به همین دلیل جنبش مشروطه تازمانیکه بحث اصلاحات، نوشدن و توسعه در ایران مطرح باشد، طزاوت و ترازگی خود را از دست نخواهد داد. بنابراین مطالعه، تحقیق و بررسی جنبش مشروطه، صرفاً پرداختن به گذشته تاریخی نخواهد بود، زیرا مضامین و مفاهیم آن همچنان بحث روز است و آینده جامعه ما را شکل خواهد داد.

تجربه اصلاحات در ایران به دوران صفویه باز می گردد. تا پیش از مشروطیت اصلاحات به طور عمده وابسته به نهاد سلطنت و تابع تمایلات آن بود. اصلاحات غالباً مقطعی و کوتاه مدت بودند و با تصمیم شاه آغاز و متوقف می شدند. تلاشهای عباس میرزا، قائم مقام فراهانی، میرزا تقیخان امیر کبیر و سپهسالاران نمونه های برجسته برنامه های اصلاحات قبل از مشروطیت می باشند.

شکست اصلاحات از بالا در درون ساختار قدرت دوره قاجاریه، منجر به پیدایی و گسترش جنبش مشروطه شد. تلاقی اصلاح طلبان حکومتی و روشنفکران و طبقه متوسط، سر آغاز عصر مشروطه خواهی رارقم زد. دوره ای که در حقیقت تلاشی جمعی برای یافتن راهی برای دستیابی به زندگی بهتر بود. مشروطه خواهان دریافته بودند که با ساختارهای موجود و کهنه جامعه نه میتوان استقلال و کیان میهن را حفظ کرد، و نه راهی برای ورود به دنیای مدرن وجود دارد.

دولت ایران در نیمه دوم دوره قاجارها به شکلی غیر متشکل و ناهماهنگ اداره می شد. عمده ترین نیروهای اجتماعی یعنی دیوانسالاران ارشد و تجار عمده در آن نقشی نداشتند؛ زیرا به ندرت می توانستند به قدرتی یکپارچه دست یابند. به علاوه رقابت های شخصی وحدت آنان را از بین برده بود، صدراعظم نیز به ندرت همانند مدیری قدرتمند عمل می کرد. با اینکه تمام ابزارهای حکومتی در تهران متمرکز گردیده بود، اما قدرت حکومت یک مرکز واحد نداشت. روابط حامی- پیرو، روند سیاسی را دچار گسیختگی ساخته بود و به این ترتیب، ایران دولت قدرتمندی که قادر به اتخاذ تصمیم، به خصوص در زمینه هایی که مستلزم تغییرات اساسی بود، نداشت.

جنبش مشروطه، نهضتی اصلاحگرایانه و نوگرا بود. رهبران و فعالان جنبش مشروطه و مشروطیت در سازماندهی توده ها و نشر افکار انقلابی گام هایی برداشتند، روشنفکران در حد توان خود در اعتلای فرهنگی کوشیدند، علمای آزادیخواه همگام با دیگر آزادیخواهان و انقلابیون سرشت استبداد را افشا کردند و با آن به مبارزه برخاستند. عمل و اندیشه همراه شدند و فرهنگ گروه حاکم به جنگ طلبیده شد. به عبارت دیگر مشروطیت ایران برآیند فرایندی بود که آگاهی، عزم، اراده و حرکت

برای دگرگون کردن وضع جامعه ایران - که نابسامان تلقی می شد- از مولفه های اساسی آن بشمار میرفت. معتقدان به ضرورت دگرگونی از همه اقشار و اصناف برای از میان بردن استبداد، ظلم، فقر و جهل و به طور کلی نابسامانی ها به پاخاستند؛ آنان راهی را گشودند که نسل های بعدی در آن گام گذاشتند

باتوجه به آنچه گفته شد، جنبش مشروطه، مردمانی دارای زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، اعتقادات مذهبی و ایدئولوژی های متنوع را به صورتی منحصر به فرد گرد آورد. بنابراین، مشروطه و مشروطیت برای گروه های مختلف، معانی مختلفی داشت. به همین علت است که گروهی مشروطه را "کارانگلیسی ها" دانسته اند؛ گروهی مدعی هستند که مشروطیت مبارزه ای علیه استعمار و استبداد بود؛ بعضی معتقدند که علمای آزادیخواه "مشروطه را گرفتند و به دست مردم دادند" گروهی اعلام می دارند که "خیزش مشروطیت خود، علیه علما و امرا بود" مورخانی به تاکید تصریح کردند که "شالوده حکومت قانون" را از دیرباز روشنفکران و فرنگ رفتگان ریختند و به انجام رساندند. جمعی بر این عقیده اند که "رشته امور" راسوسیال دموکرات های قفقاز به دست داشتند و در "نهران" پیش می بردند. برخی نوشته اند که اگر انجمنها و کمیته های انقلاب نبودند، مشروطیت تحقق نمی یافت. دسته ای فتوا داده اند که انقلاب دلالت بر سرنگونی نظم کهنه و چیرگی نظم نوین دارد.

در هر یک از این تعابیر واقعی و حقیقتی وجود دارد. تعارض در میان تفسیرها، خود بازتاب تعارض در میان افکار و اهداف نیروهای مختلف الرای و هواداران و شرکت کنندگان در جنبش مشروطه است؛ چرا که هر یک از شرکت کنندگان، هدف جنبش را بر مبنای باورها، آرزوها، و تمایلات خود تعیین میکردند؛ و درک ویژه ای از مشروطیت ارائه می دادند. بدین ترتیب جنبش مشروطه خواهی از منظرهای متفاوتی مورد مطالعه، تحقیق و بررسی قرار گرفته است؛ اما اساساً پژوهشی مبتنی بر درک و فهم نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی از مشروطه و مشروطیت انجام نگرفته است.

نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی به صورت صنفی و طبقاتی انتخاب شدند. از ابتدای تشکیل مجلس، همه گروه ها، اقشار و طبقات شرکت کننده در جنبش مشروطه، چاره همه آلام و نابسامانی ها و تحقق آرزوها و تمایلات خود را از مجلسیان درخواست می کردند. بنابراین به نظرمی رسد مذاکرات نمایندگان در نخستین مجلس شورای ملی، هم درک آنان از مفهوم، ماهیت

و آرمانهای جنبش را روشن می سازد و هم بازتاب مطالبات و فهم موکلان آنها از مشروطه است. در نتیجه بررسی مذاکرات نمایندگان، توضیح دهنده ماهیت، نیازها و موانع تحقق اهداف مشروطه خواهان می باشد. تمرکز بر این مذاکرات می تواند شناختی فارغ از برداشت ها، پیشداوری ها و ارزش های شخصی محققان در خصوص جنبش مشروطه خواهی فراهم آورد.

۱ - ۳ - سئوالات تحقیق

باتوجه به مطالب پیش گفته شده، این رساله درصدد پاسخگویی به سئوالات زیر است:

سئوال اصلی) نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی، چه برداشتی از مشروطه داشتند و چه اهداف و مشکلاتی برای آن متصور بودند؟

سئوال فرعی) از منظر نمایندگان اولین مجلس شورای ملی - به عنوان مدیران و کارگزاران جنبش مشروطه - نیازهای ساختاری استقرار مشروطیت چه بود؟

۱ - ۴ - فرضیه تحقیق

در پاسخ به پرسش های ذکر شده، فرضیه های زیر را می توان ارائه نمود:

فرضیه اصلی: نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی، مشروطه را جنبشی اجتماعی می دانستند که هدف آن ایجاد اصلاحات بنیادی بود؛ و مقاومت های شدیدی را از جانب نخبگان حاکم و حامیان داخلی و خارجی آنها پیش بینی می کردند.

فرضیه فرعی: نمایندگان اولین مجلس شورای ملی، مشروطیت را حرکتی سیاسی - اجتماعی جهت ایجاد ساختارهای سیاسی - اجتماعی جدید می دانستند.

۱ - ۵ - مفاهیم کلیدی

جنبش اجتماعی: بر اساس آرای تورن جنبشهای اجتماعی بر اصول سه گانه ای پی ریزی شده اند که در حقیقت دلیل موجودیت آنها است:

۱- اصل هویت: یک جنبش اجتماعی ابتدا باید دارای هویتی باشد؛ یعنی مشخص نماید که از چه افرادی تشکیل شده است و مدافع و محافظ چه منافی است (کارگران، زنان، دهقانان، جنبش - ملی و...) برای فهم ذات و کنش یک جنبش اجتماعی سئوالاتی به گونه زیر مطرح است:

الف: جنبش معرف چه کسانی است؟

ب: به نام چه کسانی صحبت می کند یا ادعا دارد که سخنگوی چه کسانی می باشد؟

ج: مدافع و محافظ چه منافعی است؟

۲- اصل ضدیت یا مخالفت: جنبش اجتماعی لزوماً "دارای حریف است. اصل ضدیت یعنی جنبش اجتماعی همیشه در برابر نوعی مانع یا نیرویی مقاوم قرار دارد و در نتیجه سعی در، درهم شکستن دشمن یا دشمنانی دارد.

۳- اصل همگانی بودن: یک جنبش اجتماعی به نام ارزش هایی برتر، ایده هایی بزرگ، فلسفه و یا ایده ای مذهبی آغاز می گردد. کنش آن ملهم از تفکر و عقیده ای است که تا حد امکان سعی در گسترش و پیشرفت دارد. (روشه، ۱۳۷۴: ۱۶۶ و ۱۶۷)

باتامور، جنبش اجتماعی را کمتر سازمان یافته و بدون عضویت منظم و سازمان یافته می داند. (باتامور، ۱۳۷۶: ۵۶) آنتونی گیدنز، جنبش اجتماعی را کوششی جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تامین هدفی مشترک از طریق عملی خارج از حوزه رسمی تعریف می کند. (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۷۲) به اعتقاد گی روشه، در جنبش های اجتماعی سه کار کرد به شرح زیر قابل ملاحظه است:

الف: کارکرد رابط یا میانجی بودن، به عنوان عاملین فعالی که بین افراد از یک طرف و ساختها و حقایق اجتماعی از طرف دیگر نقشی میانجی به عهده دارند. این وظیفه میانجیگری به شیوه های زیر صورت می گیرد:

الف (۱) جنبشهای اجتماعی موجب شناساندن جامعه و ساخت های آن به اعضای این جنبش ها و سایرین می گردند، یعنی بعضی حقایق اجتماعی را به آنها تفهیم می نمایند.

الف (۲) جنبش های اجتماعی وسیله ارتباطی موثری در مشارکت محسوب می گردند.

الف (۳) جنبش های اجتماعی در جامعه جدید به صورت یکی از گروه های اصلی واسط درآمده اند که به وسیله آن اعضای جامعه می توانند منافع خود را حفظ کنند.

ب: کارکرد ایجاد و بالا بردن آگاهی های جمعی: جنبش اجتماعی ذاتاً موجب ایجاد و گسترش نوعی شعور جمعی سیاسی در یک جامعه یا در بخش خاصی از جامعه می گردد.

ج: کارکرد ایجاد فشار: جنبش های اجتماعی با فشاری که بر نخبگان قدرت وارد می آورند بر توسعه تاریخی جوامع اثر می گذارند. این فشارها ممکن است به طرق مختلف عمل کنند (مبارزات

تبلیغاتی به منظور تاثیر بر افکار عمومی، تهدید، اعتصاب، تحریم، تظاهرات و... (روشه، ۱۳۷۴: ۱۷۰-۱۷۲)

انقلاب: به اعتقاد هانتینگتون، انقلاب تمام عیار در بر دارنده نابودی سریع و خشونت آمیز نهادهای سیاسی موجود، تحرک گروه های جدید در عرصه سیاست و ایجاد نهادهای سیاسی نوین است؛ که ترتیب و روابط این سه عنصر انقلاب ممکن است از انقلابی به انقلاب دیگر متفاوت باشد. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸۸) تداوم اسکاچپول، انقلاب را اینگونه تعریف می کند: "دگرگونی سریع و بنیادی در ساختارهای حکومتی و طبقاتی یک جامعه... به همراه و تا حدودی توسط قیام های طبقاتی از پایین. (اسکاچپول، ۱۳۷۸: ۳۷) آنتونی گیدنز، انقلاب را چنین توصیف می کند: "تصرف قدرت حکومتی از طریق روش های خشن و توسط رهبران یک جنبش توده ای و استفاده متعاقب از قدرت کسب شده برای آغاز فرایندهای اساسی اصلاحات اجتماعی." (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۷۱)

با توجه به تعاریفی که از انقلاب ارائه شده است، احتمالاً "چهارویژگی مشترک و اساسی را میتوان در انقلاب تشخیص داد:

- ۱- دگرگونی های ناشی از انقلاب، جامع، بنیادین و چند بعدی می باشند.
- ۲- انقلاب ها معمولاً "در شکل بسیج وسیع توده ای و نسبتاً سازمان یافته ظاهر می شوند.
- ۳- انقلاب ها معمولاً "از ابزار خشن و قهرآمیز برای تخریب و تسخیر ماشین حکومت استفاده میکنند.
- ۴- انقلاب ها معمولاً "سریع و شتابان انجام میگیرند.

اصلاح: اصلاح بر خلاف انقلاب پدیده ای خشونت آمیز نیست. اصلاحات بیشتر از جانب حکومت و طبقات بالای جامعه عرضه میشود. اصلاحات یک نوع بازسازی و مهندسی سیاسی در ارکان نظام های حکومتی است تا بقای رژیم های سیاسی طولانی تر شود. به عبارت دیگر اصلاحات نوعی بازسازی سیاسی در قبال گسل های سیاسی و گسست های اجتماعی است. بدین ترتیب اصلاح دارای ویژگی های زیر می باشد:

- ۱- تغییرات جزئی در نظام اجتماعی - سیاسی که کل نظام را نشانه نرفته است.
- ۲- در انجام اصلاحات لزوماً نیازی به بسیج وسیع توده ها نمی باشد. اصلاحات می توانند توسط حکومت و یا توسط جنبش ها انجام پذیرند.
- ۳- اصلاحات معمولاً "با روش های مسالمت جویانه و قانونی تحقق می یابند.

۴- اصلاحات به طور تدریجی و مرحله به مرحله صورت می گیرند. (مشایخی، ۱۳۷۹: ۱۲)

تحول اجتماعی: گی روشه تحول اجتماعی را مجموعه ای از تغییرات می داند که در طول

دوره ای طولانی (طی یک و شاید چند نسل) در یک جامعه رخ می دهد. (روش، ۱۳۷۴: ۲۰)

تغییر اجتماعی: تغییر اجتماعی اصطلاحی چندپهللو است. بعضی اوقات در معنای محدود

استفاده می شود، که در این صورت به تغییرات در ساخت اجتماعی اشاره می کند (مثلاً تعادل بین طبقات مختلف اجتماعی)، اما در معنای بسیار وسیعتر نیز به کار می رود که سازمان سیاسی، اقتصاد و فرهنگ را در بر می گیرد. (پتربریک، ۱۳۸۱: ۱۶۳) علاوه بر این تغییر اجتماعی را پدیده های قابل بررسی و رؤیتی دانسته اند که در مدت زمانی کوتاه رخ میدهد، به صورتی که هر شخصی در طول زندگی خود یا طی دوره کوتاهی از زندگی اش می تواند آنرا شخصاً پیگیری کند و نتیجه قطعی یا موقتی آنرا دریابد. تغییر اجتماعی از این منظر در یک محدوده جغرافیایی و اجتماعی معین صورت می گیرد؛ و همین ویژگی تغییر اجتماعی را از تحول اجتماعی متمایز می کند. (روش، ۱۳۷۴: ۲۰)

۱-۶- روش تحقیق

پدیده های اجتماعی وقایع و چیزهایی هستند که در جهان رخ میدهند؛ به همین دلیل فهم آنها مستلزم چیزی بیش از دانستن این نکته است که آنها چه معنایی دارند؛ ما باید این را هم بدانیم که آنها چرا اتفاق می افتند؟ (برایان فی، ۱۳۸۱: ۲۱۲) با توجه به این مهم رساله حاضر با استفاده از روش جامعه شناسی تاریخی به بررسی موضوع مورد علاقه خود می پردازد. جامعه شناسی تاریخی بیش از آنکه بر ارائه اطلاعات جدید تاریخی تاکید کند، به بحث و بررسی درباره علل وقوع یک پدیده اجتماعی در شرایط خاص تاریخی توجه می نماید. با در نظر گرفتن این روش، در پژوهش حاضر دو محور مورد توجه بوده است: یک محور تجربی و یک محور تحلیلی. در بعد تجربی خاستگاه فعالیتها و نتایج آن بررسی می شود؛ که بیانگر خواسته های اقتصادی، ملی، مذهبی و سیاسی است. در این بعد، زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جنبش مشروطه خواهی بررسی می شود تا خصیصه های تاریخی و اجتماعی مشروطیت در فرایند اصلاح طلبی ایرانیان مشخص گردد. از منظر تحلیلی، سه بعد تشریحی مورد توجه قرار می گیرد؛ اول، برداشت های فرهنگی به بررسی باورهای عمومی اختصاص دارد که به زندگی مردم معنی می بخشند. دوم، در بررسی های ساختاری، چگونگی سازماندهی فعالیت های بازیگران سیاسی ارزیابی میشود. سوم، توضیحات رفتاری، شرایط خاصی را تشریح می کند که در شکل دهی نگرش ها، مشارکت و رهبری نقش دارند.

تعامل میان این سه بعد چهار چوب تجزیه و تحلیل را شکل می دهد. به عبارت دیگر، با استفاده از این ابعاد، چگونگی فهم نمایندگان از مبانی، مفاهیم و اهداف مشروطیت، بررسی می گردد.

توضیح اینکه، در محور تجربی، تلاش می شود شرایط اولیه و فرایندهایی که موجب ایجاد جنبش مشروطه خواهی شده اند، مورد بررسی قرار گیرند. در تبیین علی پدیده اجتماعی میتوان از تحلیل فرایند تصمیم گیری عواملان عقلانی شروع کرد، در نتیجه به ارزش ها، هنجارها و فرهنگ توجه نمود. از سوی دیگر، برخی از جامعه شناسان از دگرگونی، تصویری "گروه مدار" و برخی دیگر تصویری "فرد مدار" دارند. به عبارت دیگر، برخی از دگرگونی، در کی گروهی دارند، یعنی هر تغییری که به وقوع می پیوندد باید تمام اعضای گروه مربوطه را شامل شود؛ در حالی که گروهی از دگرگونی، برداشتی فردی دارند؛ یعنی فرد می تواند هم نسبت به تغییر واکنش نشان دهد و هم آن را مهار کند. فرد ممکن است از دگرگونی سود ببرد یا شرایط زندگی خود را کاملاً مستقل از گروه یا گروه هایی که به آنها تعلق دارد، تغییر دهد. می توان به این دو برداشت، تصورسومی راهم اضافه کرد - ساخت اجتماعی - به عبارت دیگر اولین پرسش اساسی که باید به آن پاسخ داد این است که کوششهای تاریخ ساز، در ابتدا باید متوجه چه چیز باشد؟ آیا اول باید افراد را تغییر داد یا گروه ها را یا ساخت اجتماعی را؟ در اینجا بحث بر سر مشخص کردن هدف اولیه ای است که ضربه دگرگونی باید بر آن فرود آید. (لاور، ۱۳۷۳: ۲۴۶)

بنابراین در محور تحلیل تعامل میان فرد و ساختارهای اجتماعی مورد تاکید قرار می گیرند. زیرا افراد به عنوان بازیگران، نقش کلیدی در جنبش های اعتراض آمیز دارند؛ آنها ضمن تفسیر ارزش های فرهنگی ساختارهای سیاسی - اجتماعی رابه کار می گیرند. افراد، موسسه های دولتی، احزاب سیاسی، گروه های اجتماعی داخلی و سازمان های فراملی را هدایت می کنند؛ به موازات این ابعاد کلان ساختاری - فرهنگی، متغیرهای خرده فرهنگی مانند دیدگاه های شخصی، برداشت ها و انگیزه ها، اقدامات فردی را شکل می دهند. دیدگاه های افراد نسبت به جنبش اعتراض آمیز، رهبران حکومت و سیاست های عمومی دولت، بر تصمیم گیری آنان برای شرکت یا خودداری از شرکت در این گونه جنبش ها تاثیر می گذارد. افرادی که در جنبش های اعتراض آمیز بازیگران فعال تبدیل می شوند، از طریق این جنبشها به بازنگری در ارزشهای فرهنگی می پردازند و تلاش میکنند تا در نهادهای مسلط دگرگونی ایجاد کنند. (اپتر و اندی پین، ۱۳۸۰: ۲۱)

از سوی دیگر، مطالعه موقعیت داخلی یک جنبش اجتماعی با مطالعه موقعیت بین‌المللی آن کامل خواهد شد. ارتباطات فراملی در پیدایش تمامی بحران‌های انقلابی سهم دارند و به طور ثابت به تعارض و پیامدهای انقلابی کمک کرده‌اند. ملتها از طریق نفوذ یا سرمشق گرفتن از کشورهای توسعه‌یافته برانگیخته شده و به سرعت الگوهای توسعه آنان را به اجرا در می‌آورند. (اسکاچپول ۱۳۷۶: ۳۶)

این رساله به بررسی انقلاب مشروطه در کلیت نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد با بهره‌گیری از متن مذاکرات نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی، فهم و درک آنان را از ماهیت، مبانی، اهداف و موانع مشروطیت آشکار سازد.

۱-۷- روش جمع‌آوری اطلاعات

با توجه به اینکه هدف این رساله تبیین و تفسیر درک و باور نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی در خصوص مشروطه و مشروطیت است، روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای خواهد بود. بنابراین متن مذاکرات مجلس اول شورای ملی، روزنامه مجلس، و سایر مطبوعات آن دوره و همچنین خاطرات، مجموعه اسناد و یادداشت‌های نمایندگان و سایر فعالان در جنبش مشروطه، مورد استفاده قرار خواهند گرفت. به علاوه منابع اینترنتی نیز اطلاعات ارزنده‌ای را در خصوص موضوع مورد علاقه این رساله ارائه می‌دهند که مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۱-۸- سوابق پژوهش (ادبیات موضوعی)

در رابطه با موضوع این رساله، پژوهش مستقلی که صرفاً مشروطه و مشروطیت را از منظر نمایندگان نخستین مجلس شورای ملی بررسی کرده باشد، وجود ندارد. به علاوه اسناد و مطالبی که مربوط به قبل از صدور فرمان مشروطه هستند، نیز از حیطه این رساله خارج می‌باشند. زیرا به گفته ناظم الاسلام کرمانی مربوط به "دوره بیداری" هستند. بنابراین آثاری که در طول جنبش مشروطه یاپس از آن نوشته شده‌اند، می‌توانند مورد استفاده این رساله قرار گیرند. باین وجود، آنچه که بعنوان سوابق پژوهش در زمینه مشروطه و مشروطیت وجود دارد، را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد؛ بخش اول که تعداد نوشته‌ها و پژوهش‌های قابل توجهی را شامل می‌شود از منظر تاریخ‌نگاران نوشته شده‌اند؛ بنابراین شیوه حاکم بر آنها بیشتر جنبه توصیفی دارد و خاص‌گرایانه است. در مواردی هم که مطالعات به توضیح علل رویدادها و ارتباط میان عوامل، داده‌ها، و ... می‌پردازند، برپیش فرضهای مطرح نشده یا رویکردهای کلان اما تصریح نشده استوارند.